



رشد و معلم

تجربه موفق زبان آموزی در خاورمیانه

تهیه و تنظیم: محمد دشتی

پای صحبت مدیران کانون زبان ایران

اشاره

گرداندگان مجله رشد آموزش زبان خارجی در پی انتشار یک سلسله گزارش مربوط به مؤسسات و نهادهای علمی، بر آن شدند که در جلسه‌ای با مسئولان کانون زبان ایران در حوزه‌های مختلف از جمله ساختار، محتوا، روش و ارزشیابی گفت‌وگو کنند و مخاطبان مجله را با دیدگاه مسئولان کانون در حوزه زبان آموزی آشنا سازند. در این نشست، که در روز ۱۳۹۳ / ۸ / ۲۴ در اتاق جلسات کانون زبان ایران برگزار شد، دکتر محمدرضا عنانی‌سراب، سردبیر مجله رشد آموزش زبان خارجی، شهلا زارعی‌نیستانک، مدیر داخلی مجله، سیدحسین حاجی‌حسینی‌فرد، مشاور مجله و مدرس زبان انگلیسی تربیت‌معلم، محمد دشتی، کارشناس آموزشی و روزنامه‌نگار، دکتر سیدمحمدرضا هاشمی، رئیس کانون زبان ایران، دکتر ساسان بالغی‌زاده، معاون پژوهش و برنامه‌ریزی کانون زبان ایران و دکتر محمدرضا سهرابی، معاون آموزشی و توسعه منابع انسانی کانون حضور داشتند.

عنانی سراب: شاید بتوان گفت یکی از تجربه‌های موفق زبان‌آموزی در خاورمیانه، تجربه کانون زبان ایران است. خوشبختانه افراد زیادی هستند که سال‌ها قبل وارد کانون زبان ایران شده و آموزش خود را کامل کرده‌اند و حالا زمانی که دلیل توانمندی آنان را در حوزه زبان سؤال می‌کنیم، از سال‌ها تحصیل خود در کانون یاد می‌کنند که این امر نشان‌دهنده توفیق کانون زبان ایران در این زمینه است. ما که در مجله رشد آموزش زبان خارجی فعالیت می‌کنیم، یکی از اهدافمان این است که همکاران خود و مخاطبان مجله را در جریان تجربه‌های خوب و موفق در حوزه زبان‌آموزی قرار دهیم و به گمانم، نشست امروز کمک خواهد کرد که به کمک شما خوانندگان مجله را با واقعیت‌ها و دلایل موفقیت این مؤسسه آشنا کنیم. به همین دلیل از شما تقاضا داریم در آغاز صحبت گزارشی از تاریخچه فعالیت کانون و تصویری از مسائل اجرایی و مدیریتی آن ارائه دهید تا خوانندگان ما بیشتر با این مجموعه آشنا شوند. مثلاً اینکه در حال حاضر گستره کاری کانون تا چه حد است و چه تعداد زبان‌آموز در مراکز شما به فعالیت و زبان‌آموزی مشغول‌اند و اطلاعاتی دیگر که ما را در معرفی بهتر کانون زبان یاری خواهد کرد.

هاشمی: من هم به نوبه خود از حضور شما در کانون زبان ایران تشکر می‌کنم. براساس اسناد و مدارک موجود، کانون زبان ایران کار خود را از سال ۱۳۰۴ و با به راه افتادن انجمن ایران و آمریکا (آشنا، ۱۳۸۴) که در آن زمان آموزش زبان هم در آن انجام می‌شد، آغاز کرده است و ما در واقع در سال ۱۳۹۴ در آستانه ۹۰ سالگی مؤسسه قرار داریم.

البته فعالیت این انجمن در زمینه آموزش زبان، احتمالاً در این محدوده زمانی محدود نبوده است و نیاز است پژوهش‌های تاریخی دقیقی برای تأیید این پیشینه انجام شود. همچنین شایان ذکر است، تاریخچه مستند آنچه از آن با عنوان کانون زبان ایران یاد می‌کنیم به سال‌های پس از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. در آن زمان کانون زبان ایران با ساختار محتوایی، تجهیزات و امکانات سخت‌افزاری به‌جا مانده از دوره قبل به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واگذار شد و با اهدافی جدید و برنامه‌هایی ویژه، فعالیت علمی و آموزشی خود را آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد.

شاید برای ما که مسئولیت این مجموعه را بر عهده داریم سخت باشد که با نگاهی تبلیغاتی درباره کانون زبان ایران صحبت کنیم اما واقعیت این است که خوشبختانه کانون زبان ایران با همین نام امروز به یک برند آموزشی در حوزه زبان‌آموزی تبدیل شده است و نظرسنجی‌ها و نظر مخاطبان و مشتریان کانون هم بر این واقعیت صحنه می‌گذارد. در حوزه گسترش خدمات کانون زبان ایران هم باید بگویم

که در تمام استان‌های کشور فعال هستیم و حدود ۳۰۰/۰۰۰ زبان‌آموز در ۲۱۸ مرکز آموزشی از خدمات این مجموعه بهره‌مند می‌شوند. همچنین حدود ۲۶۰۰ مدرس - که ممکن است در دوره‌های مختلف اندکی، کم و یا زیاد شوند - برای ارائه آموزش‌های مورد نظر با استانداردها و شاخص‌های تعیین‌شده در کانون زبان ایران با ما همکاری دارند.

در زمینه آموزش زبان، جریان اصلی زبان‌آموزی ما زبان انگلیسی است اما در زمینه آموزش زبان‌های غیرانگلیسی مانند عربی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیولی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان نیز فعالیت می‌کنیم.

کانون زبان ایران در سه گروه سنی شامل کودک، نوجوان و بزرگسال فعالیت می‌کند. در هر گروه سنی هم سطوح مختلف آموزشی داریم. بنابراین، زبان‌آموزان ما طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد؛ از دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان گرفته تا دانشجویان و همه افراد علاقه‌مند با هر شغل و سنی. نکته جالب توجه این است که با همه گستردگی و تنوع مخاطبان، عمده زبان‌آموزان ما دانش‌آموزند.

عنانی سراب: به نظر می‌رسد نهادی این چنین با مخاطبانی گسترده در سرتاسر کشور، به ساختار مدیریتی منسجمی نیاز دارد که بتواند این مجموعه را هدایت و راهبری کند. لطفاً کمی هم درباره ساختار این مجموعه، لایه‌های مدیریتی و ارزیابی مدیریت آن سخن بگویید.

هاشمی: ما دو سطح مدیریتی داریم که یک سطح در استان‌ها متمرکز است و این وضع در ساختار فعلی کانون ایجاد شده و سابقه نداشته است. یک سطح ستادی هم داریم که در آن معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی، مسئولیت پژوهش، برنامه‌ریزی و تهیه محتوا و آزمون را بر عهده دارد. فعالیت‌های این بخش‌ها کاملاً تخصصی است و تلاش بر این است که آنچه در کانون زبان ایران تولید می‌شود و به دست مخاطب می‌رسد، سالم، مفید، مؤثر و قابل استفاده باشد. بخش‌های دیگر مانند بخش آمار و اطلاعات هم کار بخش پژوهشی را کامل می‌کنند و در بخش تولید فناوری‌های آموزشی و رسانه‌های دیجیتال در حوزه محتوا و به‌خصوص محتوای دیجیتال فعالیت‌های اساسی صورت می‌گیرد. همچنین در بخش معاونت آموزشی و توسعه منابع انسانی برنامه‌ریزی آموزشی، جذب مدرس و نظارت از ارزیابی انجام می‌شود. بخش‌هایی مانند پژوهش‌های کاربردی، نیازهای اساسی کانون را مورد توجه قرار می‌دهند.

عنانی سراب: نحوه ارتباط این بخش‌ها با شعبه‌های کانون چگونه است و اختیارات آن‌ها در این زمینه تا چه میزان است؟

هاشمی: در حوزه محتوا باید عرض کنم در مراکز آموزشی

به صورت مستقیم فعالیت محتوایی انجام نمی‌شود. البته اخیراً، با فعال‌سازی هسته‌های آموزشی - پژوهشی در مراکز استان‌ها این امکان به وجود آمده است که مدرسان و کارشناسان در هر استان بتوانند براساس فعالیت‌های پژوهشی و کارشناسی طرح‌های پیشنهادی و بازخوردهای خود را در خصوص محتوا و روش آموزش به اداره مرکزی ارائه نمایند.

اما در حوزه برنامه‌ریزی و اجرا در معاونت آموزشی و توسعه منابع انسانی ارتباط مستقیم‌تری وجود دارد و امور آموزشی مراکز، خدمات و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و نظارت بر عملکرد مراکز به خصوص در حوزه آموزشی در این معاونت صورت می‌گیرد. ارزیابی نیروی انسانی هم در همین بخش صورت می‌گیرد و به دلیل ارتباط مستقیم‌تری که هست، حوزه معاونت آموزشی این مدیریت و نظارت را انجام می‌دهد.

در سطح استان‌ها، مدیر هر استان موظف است این نظارت مستمر را داشته باشد و با هماهنگی اداره مرکزی اتصال دائمی و مستمری را برای نظارت دائم بر امور برقرار کند.

عنانی سراب: ملاک‌های حداقلی برای تأسیس یک شعبه از کانون زبان ایران در کشور چیست؟

هاشمی: تأسیس مراکز کانون زبان ایران در استان‌ها براساس راهبردهای کلان توسعه کانون اعمال می‌شود. در یک شورای سیاست‌گذاری - که آقای حاجیان‌زاده، مدیرعامل کانون پرورش فکری هم عضو آن هستند و ریاست این شورا را بر عهده دارند - درخواست‌های تأسیس شعبه کانون زبان نیز در کمیته توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاخص‌هایی مانند جمعیت شهری، نبودن شعبه کانون در محدوده‌ای با فاصله لازم، قابلیت تأمین مدرس و شاخص‌های دیگری چون امکان تأمین تجهیزات لازم و وجود ظرفیت برای پشتیبانی از فعالیت‌های شعب، از جمله شاخص‌هایی هستند که در تأسیس مراکز کانون زبان ایران در کشور مورد توجه قرار می‌گیرند.

دشتی: همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید، کانون زبان ایران به‌عنوان نهادی فرهنگی، هویت خاصی دارد و در پی سال‌ها تلاش و فعالیت مؤثر در زمینه زبان‌آموزی به یک برند تبدیل شده است. سابقه ۹۰ ساله این مؤسسه و توفیقاتی که به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آورده، آن را در جایگاه خاصی قرار داده است. از نگاه شما کانون زبان ایران چه سهمی در زبان‌آموزی و تقویت نگاه کارشناسی و حرفه‌ای به آموختن زبان دوم به‌عنوان ضرورتی ملی و بین‌المللی داشته است؟

هاشمی: سؤال شما مهم و اساسی است و شاید لازمه رسیدن به پاسخ این سؤال که کانون زبان ایران تا چه حد در

گسترش موضوع آموزش زبان و زبان‌آموزی مؤثر بوده است، به یک کار پژوهشی و تاریخ‌نگارانه نیاز داشته باشد اما شاید در یک نگاه کلی بتوان گفت که کانون زبان ایران سبب شد آموزش زبان خارجی و یا زبان دوم در ایران بی‌هیچ وقفه‌ای ادامه پیدا کند و ما بنا به ضرورتی که برای آموزش زبان به‌عنوان نیازی ملی و بین‌المللی وجود دارد، عقب‌نمانیم. البته در کنار این ضرورت و اقداماتی که برای زبان‌آموزی صورت می‌گیرد، تهدیدهایی هم وجود دارد؛ اما سیاست اصلی کانون زبان ایران همواره این بوده است که ضمن توجه به آسیب‌های احتمالی و برنامه‌ریزی برای جلوگیری از آثار سوئی که ممکن است بر اثر بی‌توجهی ایجاد شود، به‌عنوان یک فرصت از موقعیت‌های پیش روی خود استفاده کند و با ایجاد محیطی سالم، امن و علمی به نیازهای همه مخاطبان خود پاسخ دهد. خوشبختانه براساس ارزیابی‌های به‌عمل آمده، کانون زبان ایران توانسته است با رعایت همه شرایط و دقت در ارائه محتوای آموزشی، نظارت بر عملکرد استادان و عوامل اجرایی و ایجاد فضای پویا و مؤثر از این فرصت به‌خوبی به نفع مخاطبان خود استفاده کند. شاید یکی از دلایل استقبال خانواده‌ها و حضور گسترده دانش‌آموزان در مراکز کانون زبان ایران، اعتماد خانواده‌ها به کانون و تأثیرگذاری آموزش‌های ارائه شده در توسعه و گسترش توانایی‌های زبانی مراجعان برای آموختن و فراگیری حرفه‌ای و ماندگار مهارت‌های زبانی در این کانون باشد.

زبان‌آموزان ما طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند. به‌طور طبیعی، نیاز یک نوجوان که تازه زبان‌آموزی را شروع کرده است، با یک فرد دانشگاهی و یا تاجر خیلی متفاوت است و باید همه این ملاک‌ها و شاخص‌ها به‌دقت مورد توجه قرار گیرند تا در نهایت بتوانیم رضایت زبان‌آموزان را در سطوح مختلف جلب کنیم. همه این مسائل بر مسئولیت‌ها و مشکلات کار می‌افزاید ولی با همدلی و همراهی همه همکاران، این مجموعه توانسته است تا حد ممکن رضایت خاطر مخاطبان خود را جلب کند.

البته باید اشاره کنم که ما در صدد توسعه و گسترش خدمات کانون زبان هم هستیم و با توجه به اهمیت موضوع، برآنیم در این خصوص هم به‌صورت ویژه سرمایه‌گذاری کنیم. همچنین امروزه در کنار زبان دوم، موضوع چندزبانگی مطرح است تا افراد بتوانند در سطح بین‌المللی توفیق بیشتری داشته باشند. در زمانه‌ای که می‌توان با آموختن زبان‌های مختلف و استفاده از فناوری‌های نوین یافته‌ها و تجارب خود را با دیگران در سراسر جهان در میان گذاشت، از این آموزش‌ها می‌توان بسیار استفاده برد. در حال حاضر یک پژوهشگر اگر زبان خارجی - و به‌ویژه انگلیسی - نداند، شاید نتواند یافته‌های بسیار مهم خود را با دیگران در سراسر دنیا به اشتراک بگذارد و از کار خود بهره کافی ببرد.

ضمناً باید به این نکته هم اشاره کنم که در طول این چند ده سال و در کنار همه فعالیت‌های جاری، موضوع فرهنگ و

توجه به ظرفیت‌های بومی و اسلامی - ایرانی مورد توجه تام ما بوده و همواره در بسته‌های ارائه شده توسط کانون زبان ایران به مسئله فرهنگ و سبک زندگی اسلامی - ایرانی توجه شده است. این همان نکته‌ای است که اشاره کردم اگر از آن غفلت کنیم، می‌تواند به آسیب‌هایی در حوزه فرهنگ و مسائل فرهنگی ناشی از حضور زبان بیگانه در یک محیط بومی تبدیل شود و آینده فرهنگی فرزندان ما را تهدید کند.

همواره یکی از بحث‌ها و موضوعات کلان ما در شورای سیاست‌گذاری کانون زبان ایران - که برخاسته از سیاست‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و در نهایت سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و آموزشی کشور است - مسئله فرهنگ، توجه تام و تمام به هویت اسلامی و ایرانی و مراقبت مدام از فرزندانمان در مقابل آسیب‌های احتمالی ناشی از رسوخ ابعاد فرهنگ بیگانه که ممکن است با مطامعی خاص و برنامه‌ریزی شده، فعالیت‌های ما را مورد تهدید و هجمه قرار دهد.

شاید مهم‌ترین کاری که در کانون صورت گرفته و به‌عنوان یک تجربه ارزشمند هم قابل انتقال و استفاده است، جدیت کانون در بحث زبان آموزی و اهمیت دادن به کاری است که دارد انجام می‌دهد. ما در کارمان خیلی جدی هستیم و همین امر باعث شده است در استخدام و به‌کارگیری معلمان هم جدی باشیم و اجازه ندهیم کسی که توانایی لازم برای کار در کانون ندارد، وارد شود. از این جدیت همراه با علاقه‌مندی و پشتکار هم تاکنون نتایج خوبی گرفته‌ایم

به‌همین جهت، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های ما در زمینه محتوا توجه به سبک زندگی اسلامی - ایرانی است که در تهیه و تدوین مواد آموزشی با دقت و حساسیت مورد توجه قرار می‌گیرد و از اصول تغییرناپذیر و فراموش‌نشده ماست. در همین ارتباط، در معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی کانون پروژه‌ای کلید خورده و مطالعات آن در دست انجام است که ان‌شاءالله بتوانیم در این خصوص هم به‌شکلی مؤثر و مفید برای مخاطبان خود، به‌خصوص قشر آسیب‌پذیر کودک و نوجوان کشور و دانش‌آموزان عزیز، خدمت کنیم. ما به‌دنبال آنیم که از این طریق به مجموعه‌ای محتوایی، کیفی و مؤثر برسیم و با روشی خاص این برنامه و پروژه را مبتنی بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی با ساختاری مؤثر و سودمند در این حوزه، پایه‌گذاری کنیم.

خوشبختانه این محتوا و مواد آموزشی و تربیتی در فرهنگ غنی ما وجود دارد و به فرض، برای طراحی محتوایی درباره صله رحم یا نیکی به پدر و مادر و یا اخلاق، کافی است اراده کنیم تا محتوایی بسیار ارزشمند و تأثیرگذار تهیه شود. بدیهی است با سازماندهی و مدیریت می‌توان کتاب‌ها و منابع آموزشی را ضمن بهره بردن از تجارب و یافته‌های بین‌المللی، با ساختار و محتوایی بومی و اسلامی - ایرانی طراحی نمود تا منطبق بر فرهنگ بومی خودمان باشند.

با توجه به فعالیت‌هایی که انجام شده است و نگاه‌های مثبتی که مسئولان کانون و اسناد بالادستی دارند، به گمانم با اجرایی شدن این پروژه، شاهد الگوی خاصی در این زمینه خواهیم بود، که قابلیت تعمیم به دیگر مراکز مشابه را هم دارد.

عنانی سراب: به‌نظم کاری که شما انجام داده‌اید و یا در صدد عملیاتی کردن آن هستید، بسیار ارزشمند است و نتایج و تبعات خوبی خواهد داشت، و اینکه این کار قبلاً به‌عنوان یک رویکرد مطرح بوده و در حال حاضر به کاری نظام‌مند و محتوا محور تبدیل شده نیز ارزشمند است. حال سؤال من به‌طور مشخص این است که آیا شما برای کارها و طرح‌های خودتان، از مخاطبان و زبان‌آموزان نیازسنجی هم می‌کنید؟ تا جایی که من اطلاع دارم، در ایران مجموعه منسجم و شناخته‌شده‌ای که کار منسجم، دقیق و مستمری در حوزه زبان آموزی انجام داده باشد نداریم. به‌همین دلیل، به‌نظر می‌رسد شما با این حجم انبوه از فعالیت و مخاطبان متنوع برای انجام کارهایتان به نظرسنجی و آگاهی از نظرات و خواسته‌های مخاطبان نیاز دارید تا فعالیت‌هایتان به سرانجام خوب و مطلوبی برسد. در این زمینه چه پاسخی برای خوانندگان مجله دارید؟

هاشمی: نیازسنجی جزء اولویت‌های کار ماست اما گونه‌ای از نیازسنجی با برد کشوری را که نتایجش قابل تعمیم به کل کشور باشد، نداشته‌ایم و نیازسنجی‌ها معطوف به فعالیت‌های درونی کانون است و از طریق جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از زبان‌آموزان و مدرسان انجام می‌شود. البته من بعید می‌دانم سازمان‌ها و نهادهای دیگر هم کاری مستدل و علمی و قابل استناد در این زمینه انجام داده باشند که نتایج آن به همه کشور قابل تعمیم باشد.

بالغی زاده: همه گروه‌هایی را که تعریف می‌کنیم، معمولاً براساس همان پنج اصلی است که در طراحی دوره‌های آموزشی Course design آمده است. ما تلاش می‌کنیم در زمینه نیازسنجی اصول اولیه اختصاصی کردن داده‌ها و یافته‌ها را رعایت کنیم. در همین ارتباط، تلاش ما بر آن است که به پرسش‌نامه بسنده نکنیم و در کنار آن از تکنیک‌هایی مانند مصاحبه نیز بهره ببریم تا نتایج حاصل قوت و قدرت تعمیم بیشتری داشته باشند. بعد از مرحله نیازسنجی، به دنبال

نمونه تهیه شده در کانون است که در حد خود می‌تواند مفید و کاربردی باشد.

عنانی سراب: یک بعد سؤالی که مطرح کردم به تنوع نیازهایی برمی‌گردد که در کشور وجود دارد، اما مرکز و نهادی برای پاسخ‌گویی به این نیازهای متنوع و گوناگون موجود نیست. برای مثال، نیاز کسی که یک دوره آکادمیک زبان را دنبال می‌کند، با نیاز یک بازرگان یا گردشگر تفاوت دارد اما به‌نظر می‌رسد دوره‌هایی که اکنون در کشور برگزار می‌شوند، بیشتر ناظر بر پاسخ‌گویی به نیازهای عمومی مخاطبان و زبان‌آموزان هستند. آیا کانون زبان ایران در این زمینه کاری انجام داده است؟

هاشمی: باید بگوییم که مدتی است سیاست و رویکرد آموزشی ما به ارائه آموزش‌های تخصصی در زمینه زبان سوق پیدا کرده است. در واقع، ما ساختاری را در کانون زبان ایران ایجاد کرده‌ایم که بتوانیم به سمت نیازهای تخصصی و حرفه‌ای مخاطبان حرکت کنیم. برای این کار، با استفاده از روش‌های مبتنی بر تحلیل و نیازسنجی و براساس پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام گرفته، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است تا در آینده بتوانیم پاسخ‌گوی نیازهای ویژه مخاطبان هم باشیم و به فرض، کسانی که نیازهای خاص و تخصصی دارند، برای

هدف‌گذاری در کارها با توجه به نیازهای احصاشده هستیم تا بتوانیم محتوایی تولید کنیم که ضمن برخورداری از غنای لازم، پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان نیز باشد.

ما در گردهمایی‌هایی که برای تحلیل و بررسی کتاب‌های اصلی کانون انجام می‌شود و همچنین در گروه‌های تخصصی، براساس یافته‌های موجود درباره محتوای منابع بحث و تبادل نظر می‌کنیم. مثلاً در همین ارتباط به دنبال تدوین کتاب‌هایی هستیم که با هدف تجاری تولید می‌شوند و می‌خواهیم با ورود به حوزه آموزش زبان انگلیسی با اهداف ویژه بحث‌های مربوط به آن را به‌طور جدی دنبال کنیم. پس از مرحله نیازسنجی، به دنبال تهیه محتوای مناسب، ارزیابی و ارزشیابی کارهای انجام شده هستیم. در مورد کتاب‌های درسی با رویکرد مهارت‌های زندگی هم نظرسنجی منسجمی انجام نداده‌ایم و اساساً مدعی این کار هم نیستیم ولی آن مقدار اطلاعاتی که از استان‌های مختلف به‌دست آمده، نشان‌دهنده پراکندگی نظرها و خواسته‌ها در سراسر کشور است. این نمونه در عین حال که به‌طور کامل همه نیازها و علایق زبان‌آموزان در کشور را نشان نمی‌دهد، یک



Elementary و Intermediate را منتشر می‌کنیم. در کنار این یک نشریه کاربردی هم برای معلمان داریم. ضمناً انتشار این نشریات استمرار دارد و در حال حاضر به صورت فصلنامه منتشر می‌شوند.

حسینی فرد: سؤال دیگر من درباره نامتناسب بودن منابع آموزشی با سن و نیازهای مخاطبان است. گاهی فردی که آموزش زبان را در ۶ یا ۷ سالگی شروع کرده است، به سطح پیشرفته (Advanced) می‌رسد، اما چون کتاب مناسب سن و سطح دانش او وجود ندارد، مجبور می‌شود کتابی را با محتوای مناسب بزرگسالان بخواند. آیا شما تدبیری اندیشیده‌اید که کتاب‌ها و منابع مناسب برای همه سنین و سطوح در کانون تهیه و به جای خود تدریس شود؟

هاشمی: به نکته خوبی اشاره کردید. اساساً یکی از مشکلات آزردهنده در حوزه زبان آموزی و آموزشگاهی این است که گاهی به دلایل مختلف دانش زبانی فرد بالا می‌رود اما دانش عمومی و مقتضای سنی او به گونه‌ای نیست که بتواند ارتباط خوبی با متون آموزشی و محتوای دوره برقرار کند. گاه همین موضوع باعث ایجاد شک در فراگیرنده شده و او را از ادامه زبان آموزی دلزده و گریزان می‌کند. یعنی ما گاهی با زبان آموزانی سروکار داریم که تمام لغات و اصطلاحات زبان را در حیطه خاصی

رسیدن به سطوح خاص مجبور به گذراندن همه سطوح از پایه تا سطوح عالی نباشند و با توجه به نیاز و تقاضای خود دوره‌ای را که توانایی و مهارت زبان آموزی آنان را در زمینه‌ای خاص پرورش می‌دهد، انتخاب کنند. اخیراً در کانون زبان بخش آموزش زبان برای اهداف ویژه راه‌اندازی شده است تا بتوانیم پاسخگوی نیازهای مخاطبان باشیم و اتفاقاً یکی از رویکردهایی که قبلاً خیلی مورد توجه کانون نبوده، توجه به همین نیازهای ویژه است. ما می‌خواهیم آموزش زبان را برای همه قشرهای مخاطب براساس نیازها و خواسته‌های آنان برنامه‌ریزی و ارائه کنیم.

حسینی فرد: سؤال من درباره نشریات کانون زبان ایران است. در گذشته نشریات گوناگونی در کانون زبان منتشر می‌شد که خیلی هم مفید بودند. آیا چاپ و انتشار این نشریات استمرار دارد؟ ترتیب انتشار آن‌ها چگونه است؟

هاشمی: انتشار نشریات کانون زبان در گروه‌های مختلف ادامه دارد. البته تلاش کرده‌ایم جذابیت و کارایی این نشریات را افزایش دهیم و ضمن حفظ محتوای کلی و توجه به مسائل فرهنگی، به مخاطبان و زبان آموزان کمک کنیم تا از لحاظ بصری هم ارتباط بیشتری با این نشریات برقرار کنند. در حال حاضر، در گروه سنی کودک نشریه Seesaw، در گروه سنی نوجوان نشریه Rainbow و در گروه سنی بزرگسال نشریه‌های سطوح



می‌داند اما نمی‌توانند مفهوم کلی و معنای متن را درک کنند. این مشکل در کانون زبان ایران هم بوده است و البته ما تلاش کرده‌ایم تا حد ممکن آن را کاهش دهیم. در این میان، مطالب دیگری هم مطرح است؛ یعنی اگر محتوایی در یک مقطع خاص برای زبان‌آموز کمی مشکل است، چون باید در مقاطع بالاتر از این اندوخته دانشی استفاده کند، باید تا حدی این فشار را تحمل کند و یاد بگیرد. در همین زمینه یکی از مشکلات ما با زبان‌آموزان این است که برای آموختن زبان و رسیدن به سطوح بالا عجله دارند. همین‌جا به زبان‌آموزان عزیز عرض می‌کنم که با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های هدفمند و علمی که انجام شده است، اگر کمی صبر و حوصله داشته باشند به مقصود خود خواهند رسید.

از سویی باید توجه داشته باشیم که در بحث زبان‌آموزی، هم زبان، محتوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم محتوا بر زبان اثر می‌گذارد. پس باید با کار پژوهشی و کارشناسی به انجام بررسی‌های دقیق در حوزه‌ی گزینش محتوای متناسب با سطح آموزشی به‌گونه‌ای محتوای درسی را طراحی کنیم که مشکلات کمتری سر راه مخاطبان ایجاد شود.

زارعی نیستانک: شما گفتید که ۲۱۸ مرکز آموزشی در سراسر کشور در زمینه‌ی زبان‌آموزی در کانون زبان ایران مشغول به فعالیت‌اند و براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در هر دوره حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر آموزش می‌بینند. آیا انسجام لازم در متون و شیوه‌ی تدریس معلمان این دوره‌ها وجود دارد که همه بتوانند همان چیزی را که قصد شده است، تدریس کنند و آموزش دهند؟

هاشمی: کانون زبان ایران سرفصل‌های مصوب و برنامه‌ی درسی خاص خود را دارد. خوب است پاسخ این سؤال را از آقای دکتر سهرابی، معاون آموزشی و توسعه‌ی منابع انسانی کانون بشنویم.

اگر ما محتوا را مبتنی بر ارتباط و با تأکید بر چهار مهارت مهم این حوزه تعریف کنیم، باید ببینیم آیا این ظرفیت در همه جا وجود دارد. مثلاً اگر قرار باشد کارمان مبتنی بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری باشد، آیا امکانات و تجهیزاتی که در مناطق پرخوردار تهران داریم، در دیگر مناطق هم وجود دارد و آیا سطح دانشی و آموزش همه‌ی معلمان ما طوری هست که بتوانند مبتنی بر این دو مهارت تدریس کنند

سهرابی: در کانون زبان یک وحدت رویه و هم‌زمانی در شروع و اتمام دوره‌ها وجود دارد و امتحانات هم در فصلی خاص و به‌صورت هماهنگ برگزار می‌شوند. از سوی دیگر، نظارت‌هایی صورت می‌گیرد تا مطمئن شویم که در هر جلسه‌ی آموزشی همان محتوایی تدریس شود که تعیین شده است. همچنین طی هر دوره کارشناسان ما با حضور در کلاس‌های درس و بازدیدهای مستمر، فرایند تدریس را کنترل و در صورت نیاز مدرسان را راهنمایی می‌کنند تا انحرفی در شیوه‌های مورد نظر مؤسسه صورت نگیرد. ضمناً کتاب‌های روش تدریس هم مشترک‌اند و ملاک‌ها و شاخص‌های تدریس مشخص شده‌اند که بر رعایت آن‌ها تأکید و نظارت می‌شود. براساس تقویم آموزشی به‌گونه‌ای واحد عمل می‌شود که مثلاً اگر دانش‌آموزی از یک نقطه‌ی کشور به نقطه‌ی دیگری برود، می‌تواند آموزش خود را در مقصد با همان سطح و درجه ادامه دهد.

عنانی سراب: سؤال دیگر من درباره‌ی استانداردسازی آموزشی است. یکی از مباحث مطرح در زمینه‌ی استانداردسازی، تعیین سطوحی معین و استاندارد است که بتوان سطوح مختلف را در جاهای مختلف مقایسه و ارزیابی کرد. آیا اساساً در کانون زبان ایران استاندارد خاص و معینی وجود دارد که بتوانیم بگوییم سطوح آموزشی کانون از آن پیروی می‌کنند؟

هاشمی: در حوزه‌ی مواد آموزشی ما چاره‌ای نداشته‌ایم جز اینکه بین سواد و محتواها- که تقریباً منطبق با محتواهای بین‌المللی است- ارتباط برقرار کنیم. یعنی در مواردی آمدم و آزمون‌ها را به‌گونه‌ای برگزار کردیم که محتوای آن‌ها با سطوحی که مثلاً در دانشگاه کمبریج تعریف شده است، همخوانی داشته باشد. در حقیقت، به‌گونه‌ای معکوس عمل کردیم و در مدارکی که صادر می‌شود توضیح دادیم که این سطح از زبان‌آموزی مطابق با چه سطحی در تعاریف و الگوهای بین‌المللی است. البته خودمان اذعان داریم که این تلاش‌ها مقدمه‌ای برای برقراری تناسب علمی میان استانداردهای موجود و استانداردهای تعریف شده بین‌المللی است.

در مورد استانداردهای داخلی کانون زبان و پذیرش این سطح‌بندی در جامعه نیز پژوهش خاصی انجام نشده است اما شواهد نشان می‌دهد که زبان‌آموزان ما در کنکور سراسری معمولاً در زمینه‌ی زبان از بهترین‌ها هستند و در دوره‌ی کارشناسی نیز برجستگی‌های خاصی دارند.

حسینی‌فرد: سؤال دیگر من درباره‌ی نظام تربیت معلمان کانون است. آیا محتوای آموزشی طراحی شده برای تربیت معلم از تولیدات بومی است یا از جاهای دیگر اقتباس شده است؟

هاشمی: محتوای دوره‌ی تربیت مدرس کانون زبان ایران معمولاً

آموزش‌های فشرده‌ای است که به دو صورت اجرا می‌شوند. ما دوره‌هایی برای بدو ورود مدرسان به کانون زبان داریم و دوره‌های دیگر دوره‌های آموزش حین خدمت هستند. البته محتوای این دوره‌های آموزشی متناسب با مهارت‌های تدریس و روش‌هایی است که باید در کلاس‌های درس ما مورد بهره‌برداری قرار گیرد. آموزش‌های دیگری هم برای معلمان برنامه‌ریزی می‌شود. برای مثال، ما زمانی حتی برای مدرسان حوزه کودک دوره آموزشی نقاشی هم داشته‌ایم و یا مثلاً مباحث روان‌شناسی مرتبط با کار مدرسان نیز طراحی و اجرا شده است.

در مورد آموزش‌های ضمن خدمت هم با دعوت از متخصصان حوزه‌های مختلف و نیازسنجی از مدرسان، دوره‌های آموزشی تخصصی را برگزار می‌کنیم.

حسینی فرد: استانداردهای این دوره‌های آموزشی براساس TKT انجام می‌شود یا نه براساس نیازهایی است که خودتان دارید؟

هاشمی: دوره‌های آموزشی کانون زبان ایران، نیازمحورند. البته ما در کنار این‌ها دوره‌های TKT¹ را هم برای داوطلبان برگزار کرده‌ایم.

اصل این است که در کانون زبان مجموع دوره‌های آموزشی را براساس نیازهای احصا شده طراحی می‌کنیم و خیلی تحت تأثیر دوره‌های دیگر نیستیم و معمولاً هم پاسخی در حد نیازهای خودمان دریافت می‌کنیم، که مطلوب است.

عنانی سراب: به‌نظرم خوب است کمی بیشتر بر همین مقوله تربیت مدرس در کانون متمرکز شویم. شما براساس استانداردهایی مدرسان را جذب می‌کنید و این‌ها ضمن انجام دادن کار خود، با شرکت در دوره‌های پیش‌بینی شده و کسب تجربه لازم در کار خود رشد می‌کنند. از نگاه شما واقعاً سهم مدرسان در موقعیت فعلی کانون چقدر است و شما این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هاشمی: نقش نیروی انسانی در عملکرد کانون مهم و اساسی است. همه خدماتی که در مراکز آموزشی ارائه می‌شوند ارزشمند و در جای خود مهم‌اند، اما سهم معلم اساسی و تأثیرگذار است. معلمان ما خط مقدم مواجهه با مشتری و مخاطب‌اند و به‌همین دلیل، نقش مهم و مؤثری دارند. اگر همه تلاش‌ها و فعالیت‌های ما منجر به یادگیری و تأمین رضایت‌خاطر مخاطبان نشود و معلم نتواند حلقه نهایی این خدمات آموزشی را کامل کند، بقیه فعالیت‌های صورت گرفته بی‌اثر خواهند شد. به‌همین دلیل، اعتقاد داریم که سرمایه‌گذاری بر روی مدرسان کانون زبان، سرمایه‌گذاری برای حفظ هویت و جایگاه کانون زبان ایران است که به‌راحتی به‌دست نیامده است. اگر معلم ما خود را

نیروی اثربخش و مفیدی نبیند، تأثیر منفی بر روی کارش ایجاد می‌شود. به‌همین دلیل، ضمن توجه به دیگر بخش‌ها آموزش معلمان از جمله اموری است که در دستور کار کانون زبان قرار دارد و از اولویت‌های مهم آن است. در حال حاضر با عنایت به اینکه بدنه اصلی نیروی انسانی ما سابقه درخور توجهی دارند باید روندی تازه را در این زمینه کلید بزنیم.

در حوزه آموزش زبان اغلب، توجه اصلی بر روی زبان‌آموز متمرکز می‌شود. اما به‌نظر می‌رسد لازم است قدری روی آموزش معلمان، به‌خصوص آموزش‌های تخصصی، تمرکز کنیم و در درازمدت بنیه علمی و حرفه‌ای معلمان خود را به‌خوبی و شایستگی بالا ببریم. در این میان، دو مسئله هویت حرفه‌ای و افزایش توان تخصصی معلمان هم بسیار مهم است. به‌نظر می‌رسد کانون زبان توانسته است معلمان خود را متبحر کند اما آموزش‌های ضمن خدمت - که به‌طور پراکنده ارائه شده‌اند - به بازنگری و اصلاح نیاز دارند. البته جایی که ما با معلم مستقیماً ارتباط داریم مثلاً در مواردی که کارشناسان نظارت و ارزیابی با معلمان در ارتباط‌اند نظارت و آموزش تأثیر بیشتری دارد.

عنانی سراب: یکی دیگر از مشکلات مراکز آموزشی و به‌خصوص مراکز آموزشی در حوزه زبان‌آموزی، این است که معلمان و مدرسان را به‌خوبی جذب می‌کنند اما در درازمدت توانایی نگهداری آنان را ندارند. البته من گمان می‌کنم کانون زبان ایران از این نظر هم با مؤسسات دیگر متفاوت است و تا حدودی موفق عمل کرده است. نظر شما در این‌باره چیست؟

هاشمی: به نکته خیلی مهمی اشاره کردید. به‌خوبی به یاد دارم که در گذشته تحقیقات پراکنده‌ای هم در این مورد انجام شده بود که برخی معلمان، چگونه و چرا از کانون جدا می‌شوند که البته به نتایج چندان روشنی نرسیدیم. گاهی دلایلی مطرح می‌شد که ریشه داخلی در کانون هم نداشتند و مثلاً به موضوع ادامه تحصیل و یا مسائل شخصی معلمان برمی‌گشت.

شاید یکی از اشکالات کار ما این باشد که وقتی مدرسی را جذب می‌کنیم، فقط به‌عنوان یک معلم و نه نیرو و سرمایه انسانی به او نگاه می‌کنیم. اگر نگاه ما نگاه سرمایه انسانی و نیروی ارزشمند و مؤثر باشد، قطعاً برخورد متفاوتی با او خواهیم داشت. به‌عنوان مثال در خصوص سرمایه انسانی در یک سازمان، مؤلفه‌های گوناگونی برای جذب و نگهداری و توسعه دانش و توان حرفه‌ای نیروی انسانی صرف می‌شود و البته نتایج خوبی هم دارد. ما در برنامه خود به دنبال آن هستیم که با راهکارهایی از قبیل تقویت تعلق خاطر سازمانی به کانون و ارائه آموزش‌های تخصصی حین خدمت، امنیت خاطر و تعلق سازمانی مدرسان را در کانون افزایش دهیم و با جلوگیری از فرسودگی و سرخوردگی شغلی، انگیزه آنان را برای ماندن و رشد در حوزه فردی و سازمانی افزایش دهیم.

طبیعی است که اگر فشار کار زیاد باشد، مسائل مالی نیروی انسانی مورد توجه قرار نگیرد و نگاه و انتظارات ما یک طرفه باشد، نیروی انسانی نیز خود را جدا از ما خواهد دید و اساساً سرمایه‌ای با عنوان نیروی انسانی متخصص و مؤثر شکل نخواهد گرفت.

خوشبختانه ما معلمانی داریم که نزدیک به ۳۰ سال با کانون زبان همکاری داشته‌اند و مایه مباهات ما هستند، اما با معلمان جوانی هم روبه‌رو هستیم که بعد از چند سال هنوز به کانون تعلق خاطر ندارند و اگر کاری دیگری برایشان پیدا شود، از کانون جدا می‌شوند. باید خاطرمان باشد که ما با نگاه ۲۰ سال پیش نمی‌توانیم نیرو و سرمایه انسانی خود را حفظ کنیم و به تجدیدنظر در این باره نیاز داریم.

عنانی سراب: آیا در کانون زبان ایران سیستم ارتقایی هم برای معلمان وجود دارد تا آن‌ها چشم‌انداز روشنی برای آینده خود داشته باشند؟

هاشمی: بله، خوشبختانه این سیستم وجود دارد و معلمانی که وارد کانون می‌شوند با نظارت مشاور آموزشی می‌توانند پله‌پله ارتقا پیدا کنند. همچنین برای مدرسان رتبه‌بندی مشخص هم داریم که با توجه به سابقه و سطح توانایی تدریس و سایر توانایی‌های معلم، در رده‌های مدرس، ارشد، خبره، و یا استاد رتبه فرد تعیین می‌شود. از سوی دیگر، موضوعاتی مانند پرداخت‌های به‌موقع، قابلیت تمام‌وقت شدن، استفاده از بیمه کامل و توانمندی کانون در زمینه‌های حرفه‌ای بر اراده معلم برای ماندن تأثیر داشته است.

زارعی نیستانک: من در طول مدت زمان طولانی‌ای که مدیر داخلی مجله رشد آموزش زبان بوده‌ام، با معلمان زیادی سروکار داشته‌ام که کانون زبان ایران را مؤسسه‌ای متفاوت با دیگر مراکز آموزش زبان می‌دانسته‌اند. شما گفتید که یکی از دلایل این اعتقاد مردم، معلم است. آیا جذب و ارزیابی از کار مدرسان به‌گونه‌ای است که بتواند افراد را در جایگاه مناسب خودشان قرار دهد؟

هاشمی: بله، من سخت معتقدم که معلم یکی از مؤلفه‌های اصلی موفقیت کانون زبان ایران است. به‌همین دلیل، ضمن قائل شدن جایگاه مناسب برای معلمان، در جذب و گزینش ایشان بسیار دقت می‌شود و تلاش بر این است که کسانی که جذب کانون می‌شوند در جایگاه مناسب خود قرار گیرند. یعنی وقتی کارشناس ما با فرد متقاضی مصاحبه شغلی انجام می‌دهد، خیلی دقت دارد که فردی که برای بخش کودکان گزینش می‌شود، تا حد ممکن شخصیت و منش لازم برای کار با کودکان را داشته باشد. یادم هست که در دوره‌های حتی آزمون‌های روان‌شناسی

برای این کار مورد استفاده قرار می‌گرفت تا فرد کاملاً در جایگاه مناسب خود قرار گیرد. این موضوع آن قدر مهم است که کارشناسان ما حتی اگر در حین خدمت هم به این ارزیابی برسند که فرد در جایگاه مناسب خود قرار ندارد، حوزه کاری او را تغییر می‌دهند و از او در جایگاهی که شایسته آن است، استفاده می‌کنند.

عنانی سراب: به‌نظر شما چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی در روش‌های کاری کانون زبان ایران وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان عوامل موفقیت کانون نام برد؟

هاشمی: پاسخ دادن به این سؤال دشوار است اما من سعی می‌کنم با توضیحاتی کلی بدان پاسخ دهم. در نگاه عام و بیرونی این اعتقاد وجود دارد که ما در کانون زبان از یک روش سنتی برای تدریس استفاده می‌کنیم و خیلی‌ها هم در حوزه دانشگاهی همین نگاه را دارند، اما در چند سال اخیر تلاش کرده‌ایم با استفاده از ظرفیت کارشناسی و تخصصی کانون زبان اصلاحاتی را در محتوا و روش اعمال کنیم. یعنی همان روش خاص کانون که طی سال‌ها صیقل خورده است. در واقع، حالا به یک پختگی رسیده است. کانون زبان ایران در طول سالیان دراز خدمت خود و با توجه به شالوده اساسی ساختارش، روش مبتنی بر ساختار و با تأکید بر چهار مهارت اصلی زبان‌آموزی را به‌گونه‌ای در تشکیلات خود اصلاح کرده است و به‌همین دلیل اکنون می‌توانیم تصویر بسیار واضحی از یک روش آموزشی از سطوح پایین به بالا را ترسیم کنیم.

در سطوح پایین روش ما تا حدی کلاسیک است و براساس پژوهش‌های موجود مشاهده می‌کنیم که در برخی از حوزه‌ها هنوز هم بعضی از راهبردهای سنتی مؤثر هستند و می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

بنابراین، ما این روش را حفظ کرده‌ایم و هر چه به‌سمت سطوح بالاتر حرکت می‌کنیم، تدریس ما منعطف‌تر و ارتباط‌محور می‌شود. در سطوح بالا ما دستور زبان را به روش ارتباط‌محور تدریس می‌کنیم؛ در صورتی که در گذشته دستور زبان به روش کاملاً سنتی تدریس می‌شد. در سطوح پیشرفته هم همه مهارت‌ها و مؤلفه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و مهارت‌های Listening و Speaking در آن‌ها به همان اندازه اهمیت دارد و مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، روش تدریس کانون زبان از سطوح پایین به سمت سطوح بالاتر به‌صورتی نظام‌مند تغییر می‌کند و در سطوح پیشرفته منعطف و ارتباط‌محور می‌شود.

بالغی زاده: چون ما خودمان زبان‌آموز کانون زبان بوده‌ایم، دست‌کم در حد همین نمونه‌های محدود نشان داده می‌شود که روش کانون زبان مؤثر بوده، اما واقعیت این است که اشاره

می‌کنم در بحث‌های موردنظر به جاهای خوبی رسیده‌ایم که امیدوارم مورد توجه خوانندگان مجله قرار گیرد. اجازه بدهید نگاهی هم به تجربه زبان‌آموزی، به‌خصوص در آموزش و پرورش، داشته باشیم. با نیم‌نگاهی به برنامه‌های درسی این وزارت‌خانه متوجه می‌شویم که برنامه درسی دوگانه‌ای در این زمینه وجود دارد؛ یعنی یک برنامه قدیمی داریم و یک برنامه درسی جدید که در دست اجراست. سؤال این است که با توجه به تجربه موفق زبان‌آموزی در کانون زبان ایران، چگونه می‌توانیم با کم کردن فاصله‌ای که وجود دارد، از این تجربه ارزشمند در برنامه درسی جدید به نفع عدالت آموزشی و زبان‌آموزی بهتر و مؤثرتر استفاده کنیم؟

سهرابی: به‌نظر من تنها روش برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای این است که بخشی از آموزش و پرورش به کانون زبان تبدیل شود و شیوه و روشی را که شما موفق ارزیابی می‌کنید، اجرا کند؛ زیرا اصول و روش‌های خاصی در کانون حاکم است و به کار گرفته می‌شود که اگر آموزش و پرورش هم بخواهد این تجربه را تکرار کند، باید از همان اصول و روش‌ها استفاده کند. اصلاً این

به موفقیت‌های کانون زبان ریشه‌هایی دارد که باید بدان توجه شود. من احساس می‌کنم که یکی از پندارهای نادرست همین است که ما روش تدریس‌مان را شنیداری و گفتاری (ALM) قلمداد کنیم و همان روش... دهه ۵۰ را به کار ببریم. در این باره آقای دکتر اشاره‌ای داشتند و من هم قدری محتاطانه روش ترکیبی یا اختلاطی را نام می‌برم. لارسن فریمن^۲ اخیراً از عبارت روش ترکیبی نظام‌مند^۳ به جای عبارت روش ترکیبی استفاده کرده است که ما هم آن را تأیید می‌کنیم و در کانون زبان هم از همین شیوه استفاده می‌کنیم.

عنایت دارید که هر شیوه‌ای شامل مهارت‌ها و اصول خاص خود است و کار جایی ایراد پیدا می‌کند که بخواهیم در بخشی از فعالیت از یک روش و در بخشی دیگر از روشی دیگر استفاده کنیم و از آن به‌عنوان روش ترکیبی نام ببریم؛ در حالی که این کار التقاطی می‌شود و نتیجه خوبی نخواهد داشت.

ما در این روش در کانون دست معلم را باز می‌گذاریم. البته در هر روش چارچوب خیلی مشخصی داریم که نظم و ترتیب لازم را بر کار معلمان حاکم می‌کند و به همین دلیل، همان‌طور که آقای دکتر سهرابی اشاره کردند، معلمان هم نظم کانون را می‌پسندند و خیلی اوقات از زبان آنان نقل شده که کانون از ما یک معلم موفق ساخته است.

ما در سطوح بالاتر هم بحث روش ارتباطی را بیشتر مدنظر قرار می‌دهیم و اگر کسی کتابچه‌های روش تدریس ما را بخواند شاید احساس کند که آنچه در مراحل اولیه کار به معلمان گفته می‌شود خیلی تحکم‌آمیز است اما هر چه سطح معلم بالا می‌رود و سابقه او افزایش می‌یابد، آزادی عملش بیشتر می‌شود. ما در انتخاب شیوه‌ها، موقعیت و شرایط بومی خودمان را هم لحاظ می‌کنیم و ضمن اینکه ادعا نمی‌کنیم روش ما بهترین روش ممکن است، تلاش می‌کنیم با در نظر گرفتن همه شرایط موجود، بهترین روش را برگزینیم.

هاشمی: در همان سال ۹۰ آقای پرابو در مقاله‌اش مفهوم «عملگرایی مبتنی بر اصول» را به کار برد که مفهوم عمیقی است و در اینجا هم کاربرد زیادی دارد. اصول ما در واقع از دل شرایط اقلیمی و مبانی اساسی این شیوه به‌دست می‌آید و به همین دلیل هم کانون زبان ایران براساس پیشینه تجربی خود و صبغه علمی مورد نظرش، بدین‌سو حرکت کرده است. البته این موضوع بدین مفهوم نیست که ما به‌دنبال تغییرات لازم و توجه به شرایط جاری و تحولاتی که در این حوزه صورت می‌گیرد نیستیم. کما اینکه در همین دوره جدید ضمن ممیزی دوره‌ها و شیوه‌های جدید، نگاه جدید و متفاوتی به روش‌ها و شیوه‌های آموزشی هم داشته‌ایم.

عنائی سراب: از حاضران به‌دلیل صحبت‌های خوبی که آغاز شده است، سپاسگزارم و گمان

بیشتر استفاده کرد. البته کانون زبان ایران وابسته به کانون پرورش فکری است و زیرمجموعه آموزش و پرورش است. یعنی در حقیقت ما بخشی از آموزش و پرورش محسوب می‌شویم که در مقیاس بسیار محدودتر و کوچک‌تر به آموزش زبان می‌پردازیم. لذا، اگر می‌گوییم کانون زبان ایران تجربه‌های گران‌بهایی دارد، نه از باب تعصب و وابستگی صنفی، بلکه براساس ارزیابی‌هایی است که وجود دارد و افتخار آن هم متعلق به همین نظام و کشور است. بنابراین اگر اتفاق خوب و مؤثری بیفتد، همهٔ آحاد جامعه از آن بهره‌مند خواهند شد.

صحبت در این باره فقط در زمینه محتوا و روش نیست و همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، نیروی انسانی توانمند، با دانش و علاقه‌مند هم بسیار مؤثر است. من گمان می‌کنم از این تجربه و نکته مثبت، که همان توجه به معلم و نیروی انسانی است، باید استفاده کنیم تا معلم ما بتواند با دریافت آموزش لازم، برخورداری از حقوق، مزایا و امکانات مادی و معنوی، نقش و جایگاه اصلی خود را پیدا کند و با استفاده از خلاقیت و نوآوری، همان روندی را که در جاهایی مثل کانون زبان ایران و دیگر مراکز آموزشی موفق در جریان است، در آموزش و پرورش اجرایی و عملیاتی کند.

یعنی باید به عنوان یک نکته مهم به این موضوع توجه داشته باشیم که هر قدر هم که منابع آموزشی ما فوق‌العاده باشند، معلم است که در نهایت می‌تواند با تدریس مؤثر، گیرا و جذاب، موفقیت برنامه‌های آموزشی را تضمین کند.

پس این موضوع خیلی مهم است که ما ابتدا مشخص کنیم در بحث زبان‌آموزی در آموزش و پرورش چه انتظاری داریم و سپس به دنبال روش‌ها و شیوه‌هایی باشیم که بتواند ما را به اهدافمان برساند. بعد از مشخص شدن این موضوعات است که می‌توان

سؤال در مورد زبان‌آموزی در دانشگاه و آموزش عالی هم مطرح است و جدا از زبان‌آموزی، در آموختن مهارت‌هایی مانند نقاشی و عکاسی هم این سؤال وجود دارد و پاسخش همان است که عرض کردم. موفقیت در یک تجربه مشترک، مستلزم تکرار آن تجربه براساس همان شرایط، اصول و روش‌هایی است که در خاستگاه اولیه آن تجربه شده است و چون این تجربه در عمل صورت گرفته و نتایج مثبت آن هم وجود دارد، اگر اراده‌ای قوی و همتی بزرگ پشت آن باشد، حتماً می‌تواند تکرار شود.

حاجی حسینی فرد: در سال‌های قبل حرف‌هایی که گاه در حد شایعه بود، می‌شنیدم که در این زمینه کانون زبان ایران و آموزش و پرورش همکاری‌هایی هم داشته‌اند. لطفاً در این مورد کمی توضیح دهید.

هاشمی: بله و همان‌گونه که اشاره کردید، بعضی از این صحبت‌ها واقعیت داشتند و بعضی هم شایعه بودند. حدود سال‌های ۷۹ و ۸۰ ما در زمینه کارودانش و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همکاری‌هایی با آموزش و پرورش داشتیم و حتی برخی دانش‌آموزان هم در این زمینه دیپلم گرفتند. البته من گمان می‌کنم سؤالات دوستان ناظر بر کارهای اساسی و اصولی در این خصوص است و من هم ابا دارم که به‌طور قطعی در پاسخ امکان انتقال این تجربه حکم قطعی بدهم و بگویم می‌شود یا نمی‌شود. قطعاً اگر کارشناسان و متخصصان امر و مسئولان این دو حوزه کنار هم بنشینند، این همکاری شدنی است و نتایج خوبی هم دارد.

البته تشکیلات کانون نسبت به کلیت آموزش و پرورش بسیار کوچک است و تعداد زبان‌آموزان ما هم قابل مقایسه با دانش‌آموزان نیست، اما شاید بتوان در یک برنامه میان‌مدت یا درازمدت از تجربه‌های کانون زبان ایران به‌نفع دانش‌آموزان



روی منابع و محتوا، آموزش معلمان و دیگر برنامه‌ها بحث کرد و تصمیم درستی گرفت.

شاید مهم‌ترین کاری که در کانون زبان صورت گرفته و به‌عنوان یک تجربه ارزشمند هم قابل انتقال و استفاده است، جدیت کانون در بحث زبان‌آموزی و اهمیت دادن به کاری است که دارد انجام می‌دهد. ما در کارمان خیلی جدی هستیم و همین امر باعث شده است در استخدام و به‌کارگیری معلمان هم جدی باشیم و اجازه ندهیم کسی که توانایی لازم برای کار در کانون زبان ندارد، وارد شود. از این جدیت همراه با علاقه‌مندی و پشتکار هم تاکنون نتایج خوبی گرفته‌ایم.

سهرابی: به‌نظر من از نظر مردم، ملاک موفقیت فرزندانمان در زبان‌آموزی به‌کار بردن زبان آموخته شده در عمل است و اگر مثلاً ما در مدارس خواندن و نوشتن و یا توانایی استفاده از دستور زبان انگلیسی را به بچه‌ها بیاموزیم، این مهارت‌ها زبان‌آموزی تلقی نمی‌شود و به همین دلیل خانواده‌ها فرزندانمان را برای یادگیری زبان و کاربرد آن در عمل به کلاس‌ها و آموزشگاه‌های زبان می‌فرستند و به همین دلیل تا این خواسته آنان عملی نشود، تلقی مردم و خانواده‌ها، این خواهد بود که فرزندانمان زبان بلد نیستند.

هاشمی: باید توجه داشته باشیم که در حال حاضر نگاه به توانش زبانی تغییر کرده و در حوزه ELT بحث «نیاز محور شدن در آموزش» مطرح شده است. حال با چنین نگاهی باید ببینیم آیا این ظرفیت بزرگ آموزش و پرورش در خدمت برآوردن انتظارات خانواده‌ها قرار گرفته و یا نیازهای آموزشی زبان‌آموز از نگاه آموزش و پرورش ارجحیت داشته است یا نه. یعنی در حقیقت ابتدا لازم است سیاست‌ها و رویکردها براساس نیازها تعریف و در مورد نحوه آموزش برنامه‌ریزی دقیق انجام شود.

سهرابی: نکته مهم این است که حتی اگر دانش‌آموز و دانشجوی ما این توانایی را هم داشته باشد، باز هم از نگاه خیلی‌ها زبان بلد نیست؛ چون ملاک آن‌ها این است که فرد بتواند از این مهارت در تعامل با دیگران استفاده کند و دست‌کم بتواند با دیگرانی که بر زبان دوم مسلط‌اند، گفت‌وگو کند. اساساً یکی از دلایل استقبال از کانون زبان ایران این است که این نیاز را برطرف می‌کند.

عنانی سراب: پس شاید بتوان گفت در همین جلسه هم تکلیف استفاده از بخشی از این تجربه روشن می‌شود و حرف دوستان این است که اگر قرار است اتفاق تازه‌ای در حوزه زبان‌آموزی و مثلاً براساس تجربه‌های موفق کانون زبان ایران بیفتد، ابتدا باید تکلیف سیاست‌های آموزشی ما روشن شود و آن‌گاه ببینیم براساس سیاست واحدی که اتخاذ می‌شود، در امر زبان‌آموزی چه سهمی برعهده آموزش و پرورش، چه سهمی

برعهده دانشگاه و چه سهمی برعهده کانون زبان ایران و یا دیگر آموزشگاه‌های باصلاحیت قرار می‌گیرد.

هاشمی: البته باید به موضوعات دیگری هم توجه داشته باشیم. یعنی اگر ما محتوا را مبتنی بر ارتباط و با تأکید بر چهار مهارت مهم این حوزه تعریف کنیم، باید ببینیم آیا این ظرفیت در همه جا وجود دارد. مثلاً اگر قرار باشد کارمان مبتنی بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری باشد، آیا امکانات و تجهیزاتی که در مناطق برخوردار تهران داریم، در دیگر مناطق هم وجود دارد و آیا سطح دانش و آموزش همه معلمان ما طوری هست که بتوانند مبتنی بر این دو مهارت تدریس کنند. پس همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، حتی اگر هم این عزم جدی برای تحول در حوزه زبان‌آموزی و آن هم زبان‌آموزی با محوریت توانمند کردن زبان‌آموز برای استفاده از این مهارت وجود داشته باشد، ما به برنامه‌های میان‌مدت و درازمدتی نیاز داریم که زمینه این امر به خوبی فراهم شود و موفقیت آن هم در حدی قابل قبول تضمین شود.

بالغی زاده: به‌گمانم در آموزش و پرورش اسناد و استانداردهای لازم در این زمینه به‌طور علمی تدوین شده‌اند و اهداف زبان‌آموزی هم باید مشخص شده باشند اما مشکل این است که این شیوه‌ها چگونه براساس متون درسی اجرا می‌شوند و این موضوع کار را کمی سخت می‌کند!

عنانی سراب: البته به این موضوعات توجه شده و فرض بر این است که چارچوب ما برای زبان‌آموزی مطابق با استانداردهای لازم تدوین شده است، اما موضوع این است که اگر واقعی‌تر به این قضیه نگاه کنیم ظرفیت کانون زبان ایران به‌دلیل محدودیت پذیرش زبان‌آموزان نسبت به گستردگی دانش‌آموزان در مدارس، امکان جذب مدرسان متخصص و حرفه‌ای، نظارت مستمر و ارزشیابی هدفمند و منسجم و دیگر امکانات و تجهیزات لازم در حد قابل‌قبول تری است و حتی با اتخاذ یک روش واحد، نمی‌توان انتظار داشت، نتایج یکسانی حاصل شود. بنابراین، باید تکلیف برخی قضایا از همان ابتدا روشن شود. اگر قرار باشد ما باز هم کارهای موازی انجام دهیم اما ظرفیت‌ها و عملکردها متفاوت باشد، نتیجه خاصی حاصل نخواهد شد. پس نتیجه صحبت این می‌شود که حتی اگر آموزش و پرورش بخواهد از تجربه‌های کانون زبان ایران در زمینه برنامه‌ریزی، آموزش ضمن خدمت معلمان و خیلی چیزهای دیگر استفاده کند، نمی‌تواند به اهداف و سیاست‌های خود بی‌اعتنا باشد. برای موفقیت در چنین کاری و برای استفاده از تجارب کانون، شاید لازم باشد برنامه‌ریزی‌ها و بررسی‌های لازم صورت گیرد تا مشخص شود بهترین شیوه برای این تعامل و بهره‌گیری از خرد جمعی چیست و چگونه می‌توان از این

تجارب به‌نحوی مؤثر و عملیاتی استفاده کرد.

هاشمی: براساس برنامه‌های جدید کانون، کارهای پژوهشی و بررسی‌های خوبی انجام شده است و اگر به امید خدا کتاب‌های تدوین شده منتشر شوند، به بسیاری از سؤال‌ها و ابهاماتی که در این حوزه مطرح‌اند، پاسخ داده خواهد شد. ما تلاش کرده‌ایم بگوییم می‌توان در یک بسته جذاب و با استفاده از ظرفیت‌های بصری و هنری، محتوایی نسبتاً مناسب و مؤثر مبتنی بر فرهنگ اسلامی تولید کرد. شاید کانون این ظرفیت و امکان را نداشته باشد که این بسته‌های آموزشی را در جایی به گستردگی همه مدارس و در بین دانش‌آموزان توزیع و منتشر کند اما این کار از جنبه عمومی آن تجربه‌های متعلق به این کشور است و باید با جاهایی که ظرفیت استفاده از آن را دارند، از جمله آموزش و پرورش که بهترین جا برای بهره‌گیری از این محتواست، به اشتراک گذاشته شود تا دوستان ما بتوانند ضمن توجه به سیاست‌ها و اهداف اصولی خود، که بسیاری از آن‌ها ممکن است مشترک هم باشند، از این بسته‌ها استفاده کنند و کارشناسان و صاحب‌نظران در این حوزه و به‌خصوص در آموزش و پرورش برای تکمیل این کار و توسعه آن به کمک ما بیایند. همکاران ما هم در کانون تجربه‌های خوبی در این زمینه دارند که لازمه استفاده متقابل از آن‌ها همان ارتباط و تعاملی است که دوستان در صحبت‌هایشان به آن اشاره کردند.

را بر آن تحمیل خواهند کرد. آموزش زبان در کانون همچنین وضعیت‌ی دارد و موفقیت‌های آن حاکی از استمرار و پیگیری آگاهانه برنامه‌هایی است که توانسته‌اند هویت کانون را به خود پیوند بزنند و برند یا جایگاهی مانند کانون زبان ایران بسازند. ما امیدواریم آموزش و پرورش بتواند ضمن ارتباط بیشتر با کانون هم از این تجربه‌ها استفاده کند و هم زمینه بیشتری را برای تأثیرگذاری کانون در دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها فراهم کند.

انجمن ایران و آمریکا

بعد از جنگ جهانی دوم دروازه دیپلماسی فرهنگی و فعالیت‌های مؤثر فرهنگی آمریکا در ایران «انجمن ایران و آمریکا» بود. این انجمن در سال ۱۹۲۵ م. / ۱۳۰۳ ه. ش و به پیشنهاد حسین علاء در واشنگتن دی‌سی تأسیس شد. علاء پس از اینکه مأموریتش تمام شد و به ایران بازگشت، پیشنهاد تأسیس انجمن ایران و آمریکا را در ایران مطرح کرد. این انجمن در سال ۱۳۰۴ به ریاست محمدعلی فروغی در ایران تأسیس شد و تا سال ۱۳۲۱ فعالیت‌ی نداشت اما پس از آن با ریاست محتشم‌السلطنه اسفندیاری فعالیت خود را آغاز کرد. فعالیت‌های انجمن بیشتر شامل فعالیت‌های هنری، ادبی، علمی، فرهنگ عمومی، روابط اجتماعی و سبک زندگی و برگزاری سخنرانی‌ها و جشنواره‌ها می‌شد.

دیگر فعالیت عمده انجمن ایران و آمریکا، تأسیس مرکز آموزش زبان بود. این انجمن در سال ۱۳۳۵ با راه‌اندازی یک مرکز آموزشی در خیابان وصال شیرازی آموزش زبان انگلیسی را آغاز کرد. از جمله فعالیت‌های آموزشی انجمن در آن سال‌ها می‌توان از آموزش تخصصی زبان انگلیسی به دانش‌آموزان، دانشجویان، کارکنان دولت و بازرگانان، زنان خانه‌دار، مغازه‌داران، خدمتکاران و دیگر اصناف و همچنین آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها یاد کرد. پس از آن، این مرکز فعالیت‌های آموزشی خود را گسترش داد و دارای شعباتی در تهران و دیگر شهرها شد؛ به‌گونه‌ای که سالانه صدهزار نفر در تهران و پنج شهر دیگر آموزش می‌دیدند. در آن زمان کتاب‌های آموزش زبان با رویکردی آمریکایی تألیف می‌شدند. کانون زبان ایران بعد از انقلاب اسلامی، به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واگذار شد و هم‌اکنون هم به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Teaching Knowledge Test (دوره آموزش مدرسان زبان انگلیسی که توسط دانشگاه کمبریج تهیه و اجرا می‌شود).

2. Larsen Freeman

3. Principled Eclecticism

منبع

آشنا، حسام‌الدین؛ دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران (انجمن ایران و آمریکا)، فصل‌نامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۴، ش ۹.

شاید مهم‌ترین کاری که در کانون زبان صورت گرفته و به‌عنوان یک تجربه ارزشمند هم قابل انتقال و استفاده است، جدیت کانون در بحث زبان آموزی و اهمیت دادن به کاری است که دارد انجام می‌دهد. ما در کارمان خیلی جدی هستیم و همین امر باعث شده است در استخدام و به‌کارگیری معلمان هم جدی باشیم و اجازه ندهیم کسی که توانایی لازم برای کار در کانون زبان ندارد، وارد شود. از این جدیت همراه با علاقه‌مندی و پشتکار هم تاکنون نتایج خوبی گرفته‌ایم

عنانی سراب: وضعیت هر مجموعه‌ای متناسب با شرایط و هویت آن شکل می‌گیرد و این هویت از واقعیت‌های درونی و جاری یک سیستم جدایی‌ناپذیر است. طبیعی است که اگر برنامه‌ای استمرار نداشته باشد به نتیجه قابل قبولی هم نخواهد رسید و واقعیت‌هایی مانند ضروریات روز جامعه و سیستم خود